

دعای عرفه امام حسین علیه السلام

برگرفته از کتاب مفاتیح الجنان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُ

ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه مانند ساخته اش ساخته هیچ سازنده‌ای و اوست

الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ

بخشنده وسعت ده که آفرید انواع گوناگون پدیده‌ها را و به حکمت خویش محکم ساخت مصنوعات را طلایه‌ها (ی عالم وجود) بر او مخفی نیست و امانتها در نزد

الْوَدَائِعِ، جَازَى كُلَّ صَانِعٍ، وَرَافِئُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ

او ضایع نشود، پاداش دهنده عمل هر سازنده و سامان دهنده زندگی هر قناعت پیشه و مهربان نسبت به هر نالان، فرو فرستنده هر سود و بهره و آن کتاب جامع

بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ

که فرستادش بوسیله نور آن نور درخشان و اوست که دعاها را شنواست و گرفتاریها را برطرف کند و درجات را بالا برد و گردنکشان را ریشه کن سازد پس معبودی جز

غَيْرُهُ، وَلَا شَيْءٌ يَعْدِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ؛ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ؛ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

او نیست و چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش نیست و او شنواست و بینا و دقیق و آگاه و او بر هر چیز تواناست.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي، وَ (أَنَّ) إِلَيْكَ مَرَدِّي، ابْتَدَأْتَنِي

خدایا من بسوی تو اشتیاق دارم و به پروردگاری تو گواهی دهم اقرار دارم به این که تو پروردگار منی و بسوی توست بازگشت من آغاز کردی

بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكَورًا، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِنًا

وجود مرا به رحمت خود پیش از آن که باشم چیز قابل ذکری و مرا از خاک آفریدی آنگاه در میان صلیبها جایم دادی و ایمنم ساختی

لِرَيْبِ الْمَنُونِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسِّنِينَ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمِ، فِي تَقَادِيمِ مِنَ الْأَيَّامِ

از حوادث زمانه و تغییرات روزگار و سالها و همچنان همواره از صلیبی به رحمی کوچ کردم در ایام قدیم و گذشته

الْمَاضِيَةِ، وَالقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي، وَلَطْفِكَ لِي (بِي)، وَاحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةٍ

و قرنهای پیشین و از روی مهر و رأفتی که به من داشتی و احسانت نسبت به من مرا به جهان نیاوردی در دوران حکومت پیشوایان کفر

الْكُفْرِ، الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي (رَأْفَةً مِنْكَ وَتَحَنُّنًا عَلَيَّ) لِلَّذِي

آنان که پیمان تو را شکستند و فرستادگانت را تکذیب کردند ولی در زمانی مرا بدنیا آوردی که پیش از آن در علمت گذشته بود از

سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى، الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوُّفَتَ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ،

هدایتی که اسبابش را برایم مهیا فرمودی و در آن مرا نشو و نما دادی و پیش از این نیز به من مهر ورزیدی بوسیله رفتار نیکویت

وَسَوَائِغِ نِعْمِكَ، فَأَبْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ يُمْنِي، وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ

و نعمتهای شایانت که پدید آوردی خلقتم را از منی ریخته شده و جایم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) میان گوشت و خون

وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهَدْنِي خَلْقِي، (لَمْ تُشْهَرْنِي بِخَلْقِي) وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي

و پوست، و گواهم نساختی در خلقتم و واگذار نکردی به من چیزی از کار خودم را سپس بیرونم آوردی

سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا، تَامًّا سَوِيًّا، وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ

بدانچه در علمت گذشته بود از هدایتم بسوی دنیا خلقتی تمام و درست و در حال طفولیت و خردسالی در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها

لَبَنًا مَرِيًّا، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرَّوَاحِمَ، وَكَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ

شیری گوارا و دل پرستاران را بر من مهربان کردی و عهده دار پرستاریم کردی مادران مهربان را و از آسیب

الْحَبَانِ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ؛ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهَلَلْتُ نَاطِقًا

جنیان نگهداریم کردی و از زیادی و نقصان سالمم داشتی پس برتری تو ای مهربان و ای بخشاینده تا آنگاه که لب به

بِالْكَلَامِ، أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي،

سخن گشودم و تمام کردی بر من نعمتهای شایانت را و پرورشم دادی هر ساله زیادتر از سال پیش تا آنگاه که خلقتم کامل شد

وَاعْتَدَلْتُ مَرَّتِي (سَرِيرَتِي)، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ، بَانَ الْأَهْمَتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ

و تاب و توانم به حد اعتدال رسید واجب کردی بر من حجت خود را بدین ترتیب که معرفت خود را به من الهام فرمودی و بوسیله عجایب

حِكْمَتِكَ، (فِطْرَتِكَ) وَأَيَقِظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ، مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَتَبَهَّتَنِي

حکمتت به هراسم انداختی و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمان و زمینت از پدیده های آفرینشت و آگاهم کردی به

لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ،

سپاسگزاری و ذکر خودت و اطاعت و عبادتت را بر من واجب کردی و آنچه رسولانت آورده بودند به من فهماندی

وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْدَتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بَعُونِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ

و پذیرفتن موجبات خشنودیت را برایم آسان کردی و در تمام اینها به یاری و لطف خود بر من منت نهادی سپس به این که مرا از بهترین خاکها آفریدی

(حَرِّ) الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً (بِنِعْمَةٍ) دُونَ أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعِيشِ، وَصُنُوفِ

راضی نشدی ای معبود من که تنها از نعمتی برخوردار شوم و از دیگری منع کردم بلکه روزیم دادی از انواع (نعمتهای) زندگی و اقسام لوازم

الرِّيَاشِ، بِمِنَّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَاحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ،

کامرانی و این بواسطه آن نعمت بخشی بزرگ و بزرگتر بود بر من و آن احسان دیرینه ات بود نسبت به من تا این که تمام نعمتها را بر من کامل کردی

وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النَّقِمِ، لَمْ يَنْعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ، أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى (عَلَى) مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ،

و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختی باز هم نادانی و دلیری من بر من جلوگیری نشد از این که راهنماییم کردی بدانچه مرا به تو نزدیک کند

وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي،

و موفقم داشتی بدانچه مرا به درگاهت مقرب سازد که اگر بخوانمت پاسخم دهی و اگر بخواهم از توبه من عطا کنی و اگر اطاعتت کنم قدردانی کنی

وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَاحْسَانِكَ إِلَيَّ؛ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ

و اگر سپاسگزاریت کنم بر من بیفزایی و همه اینها برای کامل ساختن نعمتهای تو است بر من و احسانی که به من داری پس منزهی تو، منزّه که

مُبْدِئِ مُعِيدٍ، حَمِيدٍ مَجِيدٍ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظُمَتْ آلاؤُكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي، أَحْصَى عَدَدًا

آغازنده نعمتی و بازگرداننده و ستوده و بزرگواری بسی پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو پس ای معبود من کدام یک از نعمتهایت را بشماره درآورده

وَذَكَرًا؟ أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَقَوْمٌ بِهَا شُكْرًا؟ وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا

و یاد کنم یا برای کدام یک از عطاهایت به سپاسگزاری اقدام کنم در صورتی که آنها ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند

الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ،

یا دانش حافظان بدانها رسد سپس ای خدا آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور کرده و باز داشتی بیشتر بوده از آنچه برایم آشکار شد از تندرستی و خوشی.

وَأَنَا (فَأَنَا) أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَعَقْدِ عَزْمَاتِ يَقِينِي، وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَبَاطِنِ

و من گواهی دهم خدایا به حقیقت ایمان خودم و بدانچه تصمیمات یقینم بدان بسته است و توحید خالص و بی شائبه خود و درون

مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نَوْرِ بَصْرِي، وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي

سرپوشیده نهادم و رشته های دید نور چشمانم و خطوط صفحه پیشانیم و رخنه های راههای تنفسم

(نَفْسِي)، وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي، وَمَسَارِبِ سِمَاخِ (صِمَاخِ) سَمْعِي، وَمَا ضُمَّتْ وَأَطَبَقَتْ عَلَيْهِ

و پرده های نرمه بینیم و راههای پرده گوشم و آنچه بچسبید و روی هم قرار گیرد بر آن دو لبم

شَفَتَايَ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَغْرَزِ حَنْكِ فَمِي وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي

و حرکتهای تلفظ زبانم و محل پیوست کام (فک بالای) دهان و آرواره ام و محل بیرون آمدن دندانهایم و محل چشیدن خوراک

وَمَشْرَبِي، وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي، وَبُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ (بُلُوعِ حَبَائِلِ بَارِعِ) عُنُقِي، وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ

و آشامیدنهایم و رشته و عصب مغز سرم و لوله (حلق) متصل به رگهای گردنم و آنچه در برگرفته آن را

تَامُورُ صَدْرِي، وَحَمَائِلِ (جُمَلِ) حَبْلِ وَتِينِي، وَتِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَازِ حَوَاشِي كَبْدِي، وَمَا

قفسه سینه ام و رشته های رگ قلبم و شاهرگ پرده دلم و پاره های گوشه و کنار جگرم و آنچه را

حَوْتُهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي، وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَقَبْضُ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافُ أَنَامِلِي، وَالْحَمِي وَدَمِي،

در بردارد استخوانهای دنده هایم و سربندهای استخوانهایم و انقباض عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و گوشتم و خونم

وَشَعْرِي وَبَشْرِي، وَعَصَبِي وَقَصَبِي، وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعُرُوقِي، وَجَمِيعُ جَوَارِحِي، وَمَا انْتَسَجَ عَلَى

و موی بدنم و بشره پوستم و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم و رگهایم و تمام اعضا و جوارحم و آنچه بر اینها بافته شده از

ذَلِكَ أَيَّامِ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَتَوَمِي وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي، وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي

دوران شیرخوارگیم و آنچه را زمین از من بر خود گرفته و خوابم و بیداریم و آرامیدنم و حرکتهای رکوع

وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ، لَوْ عُمِّرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَكَ

و سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین عمری بکنم و بخواهم شکر

وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ، مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهٍ شُكْرَكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَثَنَاءً

یکی از نعمتهای تو را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که آن خود واجب کند بر من سپاسگزاری را دوباره از نو و موجب

طَارَفًا عَتِيدًا؛ أَجَلٌ، وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ، أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ

ستایشی تازه و ریشه دار گردد آری و اگر حریص باشم من و حسابگران از مخلوقات که بخواهیم اندازه نعمت بخشیهای تو را از گذشته

(سَالِفَةً) وَأَنْفِهِ (وَأَنْفَةً)، مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا؛ هَيْهَاتَ، أَنْتِ ذَلِكِ؛ وَأَنْتِ الْمُخْبِرُ

و آینده به حساب درآوریم نتوانیم بشماره درآوریم و نه از نظر زمان و اندازه آن را احصا کنیم! هیهات! کجا چنین چیزی میسر است و تو خود

فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالنَّبَا الصَّادِقِ: (وَأَنْ تَعُدَّوَانِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوها)؛ صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ

در کتاب گویا و خبر راست و درستت خبر داده‌ای که «اگر بشمارید نعمت خدا را احصا نتوانید کرد» خدایا کتاب تو و خبری که دادی

وَأَنْبَاؤُكَ، وَبَلَّغْتَ أَنْبَاؤُكَ وَرُسُلُكَ، مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ،

راست است و رساندند پیامبران و رسولانت هرچه را بر ایشان از وحی خویش فرو فرستادی و آنچه را تشریح کردی برای آنها و بوسیله آنها از دین و آیین خود.

غَيْرَ أَنْي يَا إِلَهِي، أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي (طَاقَتِي) وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مَوْقِنًا،

جز این که معبودا من گواهی دهم به سعی و کوشش من و به اندازه رسایی طاعت و وسعم و از روی ایمان و یقین می‌گویم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، فَيَكُونُ مَوْرُوثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ، فَيُضَادُّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ،

ستایش خدایی را سزااست که نگیرد فرزندی تا از او ارث برند و نیست برایش شریکی در فرمانروایی تا با او ضدیت کنند در آنچه پدید آورد

وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ، فَيُرْفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ؛ فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ؛ (لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَهُةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا)

و نه نگهداری از خواری دارد تا کمکش کند در آنچه بوجود آورد پس منزه باد منزه که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباہ می‌شدند

وَتَفَطَّرَتَا؛ سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ، الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

و از هم متلاشی می‌گشتند منزه است خدای یگانه یکتای بی‌نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش همتایی هیچ کس

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ،

ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیامبران مرسلش باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمد

خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّم.

خاتم پیامبران و آل پاک و پاکیزه و خالص او باد و سلام.

آنگاه آن حضرت، شروع به درخواست از خدا کرد، و در دعا اهتمام ورزید،

و در حالی که اشک از دیده‌های مبارکش جاری بود، دعا را به این صورت ادامه داد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ، وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِرْلِي فِي

خدایا چنانم ترسان خودت کن که گویا می‌بینمت و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به واسطه نافرمانیت بدبختم مکن و در سرنوشت خود خیر

قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا آخَرْتِ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتِ. اللَّهُمَّ

برایم مقدر کن و مقدراتت را برایم مبارک گردان تا چنان نباشم که تعجیل آنچه را تو پس انداخته‌ای بخواهم و نه تأخیر آنچه را تو پیش انداخته‌ای خدایا

اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي

قرار ده بی‌نیازی در نفس من و یقین در دلم و اخلاص در کردارم و روشنی در دیده‌ام و بینایی در

دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي

دینم و مرا از اعضا و جوارحم بهره مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ سلامت باشند) و یاریم ده بر آن کس که به من ستم کرده

فِيهِ ثَارِي وَمَارِبِي، وَأَقْرَبِ بِذَلِكَ عَيْنِي. اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاغْفِرْ لِي

و انتقام گیری مرا و آرزویم را درباره اش به من بنمایان و دیده ام را در این باره روشن کن خدایا محنتم را برطرف کن و زشتیهایم بپوشان و خطایم ببامرز

خَطِيئَتِي، وَاخْسَأْ شَيْطَانِي، وَفُكِّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي، الدَّرَجَةَ العُلْيَا فِي الآخِرَةِ وَالْأُولَى. اللَّهُمَّ

و شیطان و اهریمنم را از من بران و ذمه ام را از گرو بزهان و قرار ده خدایا برای من درجه والا در آخرت و در دنیا خدایا

لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا

حمد تو راست که مرا آفریدی و شنوا و بینا قرارم دادی و ستایش تو راست که مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی خلقتم را

﴿حَيًّا﴾ سَوِيًّا رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا. رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي؛ رَبِّ بِمَا

نیکو آراستی در صورتی که تو از خلقت من بی نیاز بودی پروردگارا به آن طور که مرا پدیدآوردی و در خلقتم اعتدال بکار بردی پروردگارا به آن طور که

أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صَوْرَتِي؛ رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ ﴿بِي﴾ وَفِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي

بوجودم آوردی و صورتم را نیکو کردی پروردگارا به آن طور که به من احسان کردی و عافیتم دادی پروردگارا آن چنانکه مرا محافظت کردی

وَوَفَّقْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا

و موفقم داشتی پروردگارا آن چنانکه بر من انعام کرده و هدایتم فرمودی پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از هر خیری به من عطا کردی پروردگارا آن

أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي

چنانکه مرا خوردندی و نوشاندی پروردگارا آن چنانکه بی نیازم کردی و سرمایه ام دادی پروردگارا آن چنانکه کمکم دادی و عزتم بخشیدی پروردگارا آن چنانکه مرا از

مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي؛ وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى

خلعت باصفایت پوشاندی و از مصنوعات به حد کافی در اختیارم گذاردی (چنانکه این همه انعام کردی) درود فرست بر محمد و آل محمد و کمکم ده بر

بَوَائِقِ الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنَ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الآخِرَةِ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا

پیش آمدهای ناگوار روزگار و کشمکشهای شبها و روزها و از هراسهای دنیا و اندوههای آخرت نجاتم ده و از شر آنچه

يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الأَرْضِ. اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَأَكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فِقْنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي

ستمگران در زمین انجام دهند مرا کفایت فرما خدایا از آنچه می ترسم کفایتم کن و از آنچه برحذریم، نگاهم دار و خودم و دینم را حفظ کن

فَاحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَأَحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَأَخْلِفْنِي، وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي

و در سفر محافظتم کن و در خانواده و مالم جانشین من باش و در آنچه روزیم کرده ای برکت ده و مرا در پیش خودم

نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِذُنُوبِي فَلَا

خوار کن و در چشم مردم بزرگم کن و از شر جن و انس بسلامتم بدار و به گناهان رسوایم

تَفْضَحْنِي، وَبِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي، وَتِعْمَاكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي.

مکن و به اندیشه های باطنم سرافکنده ام مکن و به کردارم دچارم مساز و نعمتهایت را از من مگیر و بجز خودت به دیگری واگذارم مکن

إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكُنُنِي؟ إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي وَأَنْتَ

خدایا به که واگذارم می کنی آیا به خویشاوندی که از من بپزد یا بیگانه‌ای که مرا از خود دور کند یا به کسانی که خوارم شمرند و تویی پروردگار من

رَبِّي، وَمَلِيكَ أَمْرِي؟ أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي، وَبَعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي. إِلَهِي فَلَا

و زمامدار کار من بسوی تو شکایت آرم از غربت خود و دوری خانه ام و خواریم نزد کسی که زمامدار کار من کردی خدایا پس خشم خود را

تُحِلِّ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ؛ سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ

بر من مبار و اگر بر من خشم نکرده باشی باکی ندارم - منزهی تو - جز این که در عین حال عافیت تو وسیعتر است برای من

لِي؛ فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ، الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَوَاتُ، وَكَشِفْتَ ﴿انْكَشَفْتَ﴾

پس از تو خواهم پروردگارا به نور ذاتت که روشن شد بدان زمین و آسمانها و برطرف شد بدان

بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمَيِّتَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ؛

تاریکیها و اصلاح شد بدان کار اولین و آخرین که مرا بر حال غضب خویش نمیرانی و خشم را بر من نازل مفرمایی

لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى، حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ،

مؤاخذه و بازخواست حق توست تا گاهی که پیش از آن راضی شوی معبودی جز تو نیست. که پروردگار شهر محترم و مشعر الحرام

وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبَرَكَاتَةَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا؛ يَا مَنْ عَفَا عَنِ الْعَظِيمِ الذُّنُوبِ بِجَلْمِهِ، يَا

و خانه کعبه‌ای آن خانه‌ای که برکت را بدان نازل کردی و آن را برای مردمان خانه امنی قرار دادی ای کسی که از گناهان بزرگ به بردباری خود درگذری ای که

مَنْ أَسْبَغَ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي،

نعمتها را به فضل خود فراوان گردانی ای که عطایای شایان را به کرم خود بدهی ای ذخیره ام در سختی ای رفیق و همدم در تنهایی

يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي وَالْهَ آبَائِي، إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَاعِيلَ، وَاسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبِّ

ای فریادرس من در گرفتاری ای ولی من در نعمتم ای معبود من و معبود پدرانم ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار

جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ ﴿مِيكَالَ﴾ وَاسْرَافِيلَ، وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ الْمُتَتَجِبِينَ، وَمَنْزِلَ

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و آل برگزیده اش و فروفرستنده

التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ، وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمَنْزِلَ كَهْيَعِصَ، وَطِهَ وَيُسَ، وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ؛ أَنْتَ

تورات و انجیل و زبور و قرآن و نازل کننده کهیعیص و طه و یس و قرآن حکمت آموز» تویی

كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا ﴿بِمَا رَحُبَتْ﴾، وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ

پناه من هنگامی که در مانده‌ام کنند راهها با همه وسعتی که دارند و زمین بر من تنگ گیرد با همه پهناوریش و اگر نبود رحمت تو

لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَلَوْلَا سِتْرُكَ إِيَّايَ ﴿لِي﴾ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ،

بطور حتم من هلاک شده بودم و تویی نادیده گیر لغزشم و اگر پرده پوشی تو نبود مسلماً من از رسواشدگان بودم

وَأَنْتَ مُؤَيَّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ؛ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ

و تویی که به یاری خود مرا بر دشمنانم یاری دهی و اگر نبود یاری تو من مغلوب شده بودم ای که مخصوص کرده خود را

بِالسُّمُوِّ وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ يُعِزُّهُمْ يَعْتَزُّونَ، يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ

به بلندی و برتری و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند ای که پادشاهان در برابرش طوق خواری به گردن گذارند و آنها از

مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ، وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَ

سَطَوَاتِش ترسانند می داند حرکت (یا خیانت) چشمها و آنچه را سینه ها پنهان کنند و حوادثی که در کمون زمانها و

الدُّهُورُ؛ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، ﴿يَا مَنْ

روزگارهاست ای که نداند چگونگی او را جز خود او ای که نداند چیست او جز او ای که نداند او را

لَا يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ﴾، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ الْاَكْرَمُ

جز خود او ای که زمین را بر آب فرو بردی و هوا را به آسمان بست ای که گرامی ترین

الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنْ

نامها از اوست ای دارنده احسانی که هرگز قطع نشود ای گمارنده کاروان برای نجات یوسف در آن جای بی آب و علف و بیرون آورنده اش

الْحُبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا؛ يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ، بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ،

از چاه و رساننده اش به پادشاهی پس از بندگی ای که او را برگرداندی به یعقوب پس از آن که دیدگانش از اندوه سفید شده بود

فَهُوَ كَظِيمٌ؛ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلَاءِ عَنِ أَيُّوبَ، وَ﴿يَا﴾ مُسِكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ، بَعْدَ كِبَرِ

و آکنده از غم بود ای برطرف کننده سختی و گرفتاری از ایوب و ای نگهدارنده دستهای ابراهیم از ذبح پسرش پس از سن

سِنِّهِ، وَفَنَاءِ عُمَرِهِ؛ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِرُكْرِيَا، فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَ لَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا؛ يَا مَنْ أَخْرَجَ

پیری و بسرامدن عمرش ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی و یحیی را به او بخشیدی و او را تنها و بی کس وامگذاردی ای که بیرون آورد

يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحَوْتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنْ

یونس را از شکم ماهی ای که شکافت دریا را برای بنی اسرائیل و (از فرعونیان) نجاتشان داد و فرعون و لشکریانش را

الْمُغْرَقِينَ؛ يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعَجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ،

غرق کرد ای که فرستاد بادها را نوید دهندگانی پیشاپیش آمدن رحمتش ای که شتاب نکند بر (عذاب) نافرمانان از خلق خود

يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ غَدَا فِي نِعْمَتِهِ يَا كَلُونَ رِزْقَهُ، وَيَعْبُدُونَ

ای که نجات بخشید ساحران (فرعون) را پس از سالها انکار (و کفر) و چنان بودند که منتعم به نعمتهای خدا بودند که روزیش را می خوردند ولی پرستش دیگری

غَيْرِهِ، وَقَدْ حَادَوْهُ وَنَادَوْهُ، وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ. يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ، يَا بَدِيعُ ﴿بَدِيعًا﴾ لَا نِدَّ ﴿بَدَاءُ﴾

را می کردند و با خدا دشمنی و ضدیت داشتند و رسولانش را تکذیب می کردند ای خدا ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده ای که همتا نداری

لَكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا

ای جاویدانی که زوال نداری ای زنده در آنگاه که زنده‌ای نبودای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری بر هرکس بدانچه

كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَيَّ

انجام داده‌ای که سپاسگزاری من برایش اندک است ولی محرومم نکند و خطایم بزرگ است ولی رسوایم نکند و مرا بر نافرمانی

الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي ﴿يَخْذُلْنِي﴾؛ يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ آيَادِيهِ

خویش بیند ولی پرده‌ام ندرد ای که مرا در کودکی محافظت کردی ای که در بزرگی روزیم دادی ای که اندازه مرحمت‌هایی که

عِنْدِي لَا تُحْصَى، وَنِعْمُهُ لَا تُجَازَى، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ

به من کردی بشماره نیاید و نعمتهایش را تلافی ممکن نباشد ای که روبه رو شد با من به نیکی و احسان ولی من با او به بدی و گناه روبه رو شدم

وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ دَعَاؤُهُ مَرِيضًا

ای که مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آن که بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را ای که خواندمش در حال بیماری

فَشْفَانِي، وَعُرِيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي، وَعَطْشَانَ فَأَرَوَانِي، وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلًا

و او شفایم داد و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد و در تشنگی و او سیرایم کرد و در خواری و او عزتم بخشید و در نادانی

فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا فَرَدَّنِي، وَمُقِلًّا فَأَعْنَانِي، وَمُنْتَصِرًا فَانصَرَّنِي، وَغَنِيًّا فَلَمْ

و او معرفتم بخشید و در تنهایی و او فزونی جمعیت داد و در دوری و او بازم گرداند و در نداری و او دارایم کرد و در کمک خواهی و او یاریم داد و در ثروتمندی

يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَنِي؛ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَتَفَسَّسَ

و او از من سلب نفرمود و (هنگامی که) از همه این خواسته‌ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن توست حمد و سپاس ای که لغزشم را نادیده گرفت و گرفتگی را از

كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَتَصَرَّنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ

من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عیبم را پوشاند و گناهانم را آمرزید و به خواسته‌ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم

نِعْمَكَ وَمِنَّكَ، وَكَرَائِمٍ مِنْحِكَ لَا أُحْصِيهَا. يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ

نعمتها و عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی که منت نهادی و این تویی که نعمت دادی این تویی که

الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ،

احسان فرمودی این تویی که نیکی کردی این تویی که فزونی بخشیدی این تویی که کامل کردی این تویی که روزی دادی

أَنْتَ الَّذِي وَقَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ،

این تویی که توفیق دادی این تویی که عطا کردی این تویی که بی نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که مأوی دادی

أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ،

این تویی که کفایت کردی این تویی که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که پوشاندی این تویی که آمرزیدی

أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتِ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتِ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتِ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتِ، أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتِ،

این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی که عزت بخشیدی این تویی که کمک کردی این تویی که پشتیبانی کردی

أَنْتَ الَّذِي أَيْدْتِ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتِ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتِ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتِ، أَنْتَ الَّذِي

این تویی که تأیید کردی این تویی که یاری کردی این تویی که شفا دادی این تویی که عافیت دادی این تویی

أَكْرَمْتِ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتِ؛ فَلَاكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي،

که اکرام کردی بزرگی و برتری از توست و ستایش همیشه مخصوص تو است و سپاسگزاری دائمی و جاوید از آن تو است و اما من ای معبودم

الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي، فَاعْفِرْهَا لِي. أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي

کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم پس آنها را ببامرز و این منم که بد کردم این منم که خطا کردم این منم که (به بدی) همت گماشتم این منم که نادانی کردم

جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ،

این منم که غفلت ورزیدم این منم که فراموش کردم این منم که (به غیر یا به خود) اعتماد کردم این منم که (به کاربرد) تعمد کردم این منم که وعده دادم

أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَ

و این منم که خلف وعده کردم این منم که پیمان شکنی کردم این منم که به بدی اقرار کردم این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود اعتراف دارم و

أَبُو ذُنُوبِي، فَاعْفِرْهَا لِي؛ يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمُؤَفِّقُ مَنْ

با گناهانم بسویت بازگشته ام پس آنها را ببامرز ای که زیانش نرساند گناهان بندگان و از اطاعت ایشان بی نیازی و تو آنی که هرکس از بندگان کردار شایسته‌ای

عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ، بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ؛ فَلَاكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي. إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي

انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی پس تو راست ستایش ای معبود و آقای من خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی

فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةَ ﴿لِي﴾ فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرُ، فَبِأَيِّ شَيْءٍ اسْتَقْبَلُكَ

ولی من نهی تو را مرتکب شدم و اکنون به حالی افتاده‌ام که نه وسیله تبرئه‌ای دارم که پوزش خواهم و نه نیرویی دارم که بدان یاری گیرم پس به چه وسیله با تو روبه

﴿اسْتَقْبَلُكَ﴾ يَا مَوْلَايَ؟ أَسْمَعِي أَمْ بَبَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي، أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي؟ أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَتَكَ

رو شوم ای مولای من آیا به گوشم یا به چشمم یا به زبانم یا به دستم یا به پایم آیا همه اینها نعمتهای تو نیست که

عِنْدِي؟ وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَاكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ؛ يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ

در پیش من بود و با همه آنها تو را معصیت کردم ای مولای من پس تو حجت و راه مؤاخذه بر من داری ای که مرا پوشاندی از پدران و

وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ

مادران که مرا از نزد خود برانند و از فامیل و برادران که مرا سرزنش کنند و از سلاطین و حکومتها که

يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي، إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَكَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي؛

مرا شکنجه کنند و اگر آنها مطلع بودند ای مولای من بر آنچه تو بر آن مطلعی از کار من در آن هنگام مهلتم نمی‌دادند و از خود دورم می‌کردند و از من می‌بریدند

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ، يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ، حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذَوْبَرََاءَةَ فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذَوْ قُوَّةٍ

و اینک خدایا این منم که در پیشگاهت ایستاده‌ای آقای من با حال خضوع و خواری و درماندگی و کوچکی نه وسیله تبرئه جویی دارم که پوزش طلبم و نه نیرویی

فَأَنْتَصِرُ، وَلَا حُجَّةَ فَأَحْتَجُّ بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا، وَمَا عَسَى الْجُحُودُ وَلَوْ جَحَدْتُ

که یاری جویم و نه حجت و برهانی که بدان چنگ زرم و نه می توانم بگویم که گناه نکرده‌ام و کجا می تواند انکار - فرضاً که انکار کنم

يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي كَيْفَ وَأَنْتَ ذَلِكُ؟ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ ﴿عَلِمْتُ﴾،

ای مولای من - سودم بخشد! چگونه؟ و کجا؟ با این که تمام اعضای من گواهند بر من به آنچه انجام داده و به یقین می دانم

وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكِّ، أَنْتَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنْتَ الْحَكَمُ ﴿الْحَكِيمُ﴾ الْعَدْلُ الَّذِي

و هیچ گونه شک و تردیدی ندارم که تو از کارهای بزرگ از من پرسش خواهی کرد و تویی آن داور عادل که

لَا تَجُورُ، وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي؛ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي، فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ

ستم نکند و همان عدالتت مرا هلاک کند و از تمام عدالت تو می گریزم اگر عذابم کنی خدایا بواسطه گناهان من است پس از آن که حجت بر من داری

عَلَيَّ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي، فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ

و اگر از من درگذری پس به بردباری و بخشندگی و بزرگواری توست معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از ستمکارانم

الظَّالِمِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ، إِنِّي

معبودی جز توییست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از

كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛

یگانه پرستانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من از ترسناکانم معبودی جز تو نیست

سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا

منزهی تو و من از هراسناکانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از امیدوارانم معبودی نیست

أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَهْلَلِينَ. لَا

جز تو منزهی تو و من از مشتاقانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تهلیل (لا اله الا الله) گوینم

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ

معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از خواهندگانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تسبیح

الْمُسَبِّحِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبِّرِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ سُبْحَانَكَ، رَبِّي

گوینم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر (الله اکبر) گوینم معبودی نیست جز تو منزهی تو پروردگار من

وَرَبُّ آبَائِي الْأَوْلِيَّينَ.

و پروردگار پدران پیشین من.

اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُجَدِّدًا، وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَأَقْرَارِي بِأَلَايِكَ مُعَدِّدًا، وَإِنْ

خدایا این است ستایش من بر تو در مقام تمجیدت و این است اخلاص من بذكر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من به نعمتهایت در مقام شماره آنها گرچه من

كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا، لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوحِهَا، وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ

اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی و آشکاری آنها و پیشی جستن آنها از زمان پیدایش من که همواره

تَتَعَهَّدُنِي (تَتَعَمَّدُنِي) بِهَا مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي، وَبِرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ،

در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می کردی از آن ساعت که مرا آفریدی از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوری

وَكَشَفِ الضُّرِّ، وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ، وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةِ

و گرفتاریم برطرف کردی و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی و تنم را تندرست دینم را

فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ

بسلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه‌ای که نعمت را ذکر کنم تمام جهانیان از اولین و آخرین نه من قدرت ذکرش را دارم نه آنها

عَلَى ذَلِكَ؛ تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ، عَظِيمٍ رَحِيمٍ؛ لَا تُحْصِي الْأَوْكَ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا

منزهی تو و برتری از این که پروردگاری هستی کریم و بزرگ و مهربان که مهرورزی هایت به شماره درنیاید و ستایشت به آخر نرسد و

تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَتَمِّمَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ، وَأَسْعِدَنَا بِطَاعَتِكَ؛ سُبْحَانَكَ؛

نعمتهایت را تلافی نتوان کرد درود فرست بر محمد و آل محمد و کامل گردان بر ما نعمتهایت را و بوسیله اطاعت خویش سعادت‌مندان گردان منزهی تو

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَتَكْشِفُ السُّوءَ، وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي

معبودی جز تو نیست خدایا تویی که اجابت کنی دعای درمانده را و برطرف کنی بدی را و فریادرسی کنی از گرفتار و شفا دهی

السَّقِيمَ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ، وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا

به بیمار و بی نیاز کنی فقیر را و مرمت کنی شکستگی را و رحم کنی به کودک خردسال و یاری دهی به پیر کهنسال و جز تو پشتیبانی نیست و نه فوق (توانایی) تو

فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ؛ يَا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ

توانایی و تویی والای بزرگ ای رهاکننده اسیر در گند و زنجیر ای روزی دهنده کودک خردسال ای پناه

الْمَخَافِيفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَلَا وَزِيرَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ

شخص ترسانی که پناه جوید ای که شریک و وزیر برای او نیست درود فرست بر محمد و آل محمد و عطا کن به من در این

الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْلَتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تَوَلَّيْتُهَا، وَالْآءِ تُجَدِّدُهَا، وَبِلَيْتِهِ

شام بهترین چیزی را که عطا کردی و دادی به یکی از بندگانت چه آن نعمتی باشد که می‌بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که

تَصْرِفُهَا، وَكَرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَتَقَمِّدُهَا؛ إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا

می‌گردانی و غم و اندوهی که برطرف کنی و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که بپذیری و گناهانی که ببوشانی که برستی تو بهر چه خواهی دقیق

تَشَاءُ خَيْرَهُ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَا،

و آگاهی و بر هر چیز توانایی خدایا تو نزدیکترین کسی هستی که خواندنت و از هر کس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هر کس بزرگوartری و در عطا بخشی

وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ؛ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ،

عطایت از همه وسیعتر و در اجابت درخواست از همه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان آن دو براستی کسی که مانند تو از او درخواست شود نیست

وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعْوَتُكَ فَأَجَبْتَنِي، وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي، وَ

و جز تو آرزو شده‌ای نیست خواندمت و تو اجابت کردی و درخواست کردم و تو عطا کردی و به درگاه تو میل کردم و تو مرا مورد مهر خویش قرار دادی

وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي.

و به تو اعتماد کردم و تو نجاتم دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایتیم کردی

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ،

خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاک و پاکیزه اش همگی و

وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَهِنِّئْنَا عَطَاءَكَ، وَأَكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَلَا لِأَيْتِكَ ذَاكِرِينَ. آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

نعمتهایت را بر ما کامل گردان و عطایت را بر ما گوارا کن و نام ما را در زمره سپاسگزارانت بنویس و هم جزء یادکنندگان نعمتهایت آمین آمین ای پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ، وَقَدَرَ فَقَهَرَ، وَعُصِيَ فَسْتَرَ، وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ؛ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاغِبِينَ،

خدایا ای که مالک آمد و توانا، و تواناست و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشاند و آمرزشش خواهند و آمرزد ای کمال مطلوب جویندگان مشتاق

وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا.

و منتهای آرزوی امیدواران ای که دانشش به هر چیز احاطه دارد و رأفت و مهر و بردباریش توبه جویان را فرا گرفته.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا، بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ،

خدایا ما رو به درگاه تو آوریم در این شبی که آن را شرافت و بزرگی دادی بوسیله محمد پیامبرت و فرستاده ات

وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَيَّ وَحِيَاكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السِّرَاجِ الْمُتَنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

و برگزیده ات از آفریدگان و امین تو بر وحیت آن مژده دهنده و ترساننده و آن چراغ تابناک آن که بوسیله اش

الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ.

بر مسلمانان نعمت بخشیدی و رحمت عالمیان قرارش دادی

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ؛ يَا عَظِيمُ، فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ،

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه محمد نزد تو شایسته آن است ای خدای بزرگ پس درود فرست بر او و بر آل

الْمُتَّجِبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ

برگزیده پاک و پاکیزه اش همگی و بیوشان ما را به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف لغتهاشان (و هرکس به زبانی ناله اش) بسوی تو بلند است

اللُّغَاتِ؛ فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَدَوْرٍ تَهْدِي بِهِ،

پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره‌ای از هر خیری که میان بندگانت تقسیم فرمایی و نوری که بدان هدایت فرمایی

وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَاتٍ تُنَزِّلُهَا، وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و رحمتی که بگستری آن را و برکتی که نازلش کنی و عافیتی که بیوشانی و روزی و رزقی که پهن کنی ای مهربانترین مهربانان

اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ، مَبْرورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخَلِّنَا

خدایا برگردان ما را در این هنگام پیروزمند و رستگار و پذیرفته و بهره مند و از ناامیدان قرارمان مده و از رحمتت

مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِ

دست خالیمان مفرما و محرومان مکن از آنچه از فضل تو آرزومندیم و جزء محرومان رحمتت قرارمان مده و نه ناامیدمان کن از آن زیادی

مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ؛ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ،

عطایت که آرزومندیم و ناکام بازمان مگردان و از درگاهت مطرود و رانده مان مکن ای بخشنده ترین بخشندگان

وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مَوْقِنِينَ، وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا،

و کریمترین کریمان ما با یقین به درگاه تو رو آورديم و به آهنگ (زیارت) خانه محترم تو (کعبه بدین جا) آمدیم پس کمک ده ما را بر انجام مناسک حج

وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنا، وَاعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا، فَهِيَ بِذِلَّةِ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ.

و حجامان را کامل گردان و از ما درگذر و تندرستمان دار زیرا که مابسوی تو دو دست (نیاز) دراز کرده ایم و آن دستها چنان است که به خواری اعتراف به گناه نشاندار شده

اللَّهُمَّ فَأَعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَاكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا

خدایا در این شام به ما عطا کن آنچه را از تو خواسته ایم و کفایت کن از ما آنچه را از تو کفایت آن را خواستیم زیرا کفایت کننده‌ای جز تو نداریم و پروردگاری غیر از تو

غَيْرُكَ، نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ، إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ.

برای ما نیست تویی که فرمانت درباره ما نافذ و دانشت به ما احاطه دارد و حکمی که درباره ما فرمایی از روی عدالت است خدایا خیر و نیکی برای ما مقرر کن و از اهل خیر قرارمان ده

اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ، وَكَرِيمَ الدُّخْرِ، وَدَوَامَ الْيُسْرِ، وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا

خدایا واجب گردان برای ما از آن جودی که داری پاداشی بزرگ و ذخیره‌ای گرامی و آسایشی همیشگی و بیامرز گناهان ما را همگی و در زمره

تُهْلِكُنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا

هلاک شدگان بدست هلاکتمان مسپار و مهر و رأفتت را از ما باز مگردان ای مهربانترین مهربانان خدایا قرارمان ده در این وقت

الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتَابَ (ثَابَ) إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ

از کسانی که از تو درخواست کرده و عطا فرموده‌ای و شکر تو را بجا آورده و نعمتت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و پذیرفته‌ای و از گناهان بسوی تو بیرون

ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا؛ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ وَتَقْنَا [وَوَفَّقْنَا] وَسَدِّدْنَا، (وَاعْصِمْنَا) وَاقْبَلْ

آمده و تو همه را آمرزیده ای، ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا ما را پاکیزه و (در دین) محکمان گردان و تضرع و

تَضَرُّعَنَا؛ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا

زاریمان پذیر ای بهترین کسی که از او درخواست شود و ای مهربانترین کسی که از او میسر خواهند ای که بر او پوشیده نیست بهم نهادن پلکهای

لِحَظِّ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ، وَلَا مَا انطَوَتْ عَلَيْهِ مُضَمَّرَاتُ الْقُلُوبِ؛ أَلَا كُلُّ ذَلِكَ

چشم و نه بر هم خوردن دیدگان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستقر گردیده و نه آنچه در پرده دلها نهفته است آری تمام آنها را

قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ؛ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا،

دانش تو شماره کرده و بردباریت همه را در برگرفته است منزهی تو و برتری از آنچه ستمکاران گویند برتری بسیاری،

تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَاكَ

تنزیه کنند تو را آسمانهای هفتگانه و زمینها و هرکه در آنهاست و چیزی نیست جز آن که به ستایش تو تسبیح کند پس تو راست

الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْمَجْدِ؛ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ

ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه، ای صاحب جلالت و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی و موهبتهای بزرگ و تویی بخشنده

الْكَرِيمُ، الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَآمِنْ

بزرگوار رؤوف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی حلال خود و عافیتم بخش در تن و هم در دینم و ترسم را

خَوْفِي، وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْنِي، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ

امان بخش و از آتش دوزخ آزاد کن خدایا مرا به مکر خود دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی مبر و فریبم مده و شرّ تبهاران

فَسَقَّةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ.

جن و انس را از من دور کن.

در این قسمت از دعا سر و دیده خود را به جانب آسمان برداشت، و از دیده‌های مبارکش مانند ریزش آب از

دو مَشَك، اشك می ریخت، و با صدای بلند به محضر حق عرضه داشت:

يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینایان و ای سریعترین حساب رسان و ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر محمد

مُحَمَّدٍ، السَّادَةِ الْمَيَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي، الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ

و آل محمد آن آقایان فرخنده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی دیگر هر چه را از من دریغ کنی زیانم نزنند و اگر آنرا

مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ، لَا شَرِيكَ

از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هر چه به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم مرا از آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه‌ای که شریک

لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. يَا رَبِّ يَا رَبِّ.

نداری از توست فرمانروایی و از توست ستایش و تویی که بر هر چیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار.